Archive of SID.ir

Cultural pathology of Fajr Film Festival from the perspective of the Civilizational Cinema: A case study of the ٤٠th period

Iman Erfanmanesh

Assistant Professor, The Faculty of Culture & Communications, Imam Sadiq University, Ph.D. of Cultural Sociology, Tehran, Iran
iman.erfanmanesh@gmail.com

Abstract

Iranian cinema films, especially the works presented at the Fajr Film Festival, are mainly pioneers "in the position of discovery and screening" of society's problems and dilemmas, and less often act as the leading art "in the position of providing the solutions". In Iran, little attention has been paid to the strategic issue of civilizational cinema; the cinema that can broaden and deepen the future horizon and direction of cinema in three dimensions: the motivation of cinema artists, the content of films, and the attention to the neglected capacities of the audience. This article uses semantic research method and deductive thematic analysis to analyze the essential components of civilizational cinema and also deviates from the criteria in Fajr Festival films (by purposeful sampling among the films of the ٤٠th period). For this purpose, the theoretical approach of "reasonable life" has been used to show examples of cultural harms. The findings show that the Fajr Film Festival, which is held in the name of the Islamic Revolution, is far from a civilizational cinema. Some explicit deviations from the rules of jurisprudence can be identified both in the policy-making of the festival and in the process of production, selection and display of works. Some political and insightful factors have been introduced as the most important obstacles to the continuation of civilizational cinema. Also, the article seeks to show the mission of the festival's artists towards their transnational and

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

exterritorial duty in the Islamic world (and in pursuit of the civilizational goals stated in the second step statement of Islamic revolution).

Keywords: Fajr Film Festival, Cinema, Culture and Civilization, Identity and Personality, Islam and the West, Ethics and Jurisprudence.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

آسیب‌شناسی فرهنگی جشنواره فیلم فجر از منظر سینمای تمدنی: مطالعه موردی چهلمین دوره

ایمان عرفان منش
دکتری تخصصی جامعه شناسی فرهنگی – عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع). تهران. ایران
iman.erfanmanesh@gmail.com

چکیده

فیلم‌های سینمای ایران، به‌ویژه آثار ارائه شده در جشنواره فیلم فجر، عمدتاً پیشرو «در مقام کشف و نمایش» مسائل و معضلات جامعه هستند و کم‌تر به‌منزله هنر پیشرو «در مقام راهگشایی» عمل می‌کنند. در ایران، چندان به موضوع راهبردی سینمای تمدنی پرداخته نشده است؛ سینمایی که می‌تواند در سه بُعد انگیزه هنرمندان سینما، محتوای فیلم‌ها و نیز توجه به ظرفیت‌های مغفول نزد مخاطبان، افق و مسیر آینده سینما را وسعت بخشد و تعمیق کند. این مقاله با استفاده از روش‌های دلالت‌پژوهی و تحلیل مضمون قیاسی به واکاوی مؤلفه‌های ضروری سینمای تمدنی و نیز انحراف از معیارها در فیلم‌های جشنواره فجر(با نمونه‌گیری هدفمند از میان فیلم‌های چهلمین دوره) پرداخته است. به این منظور، از رویکرد نظری «حیات معقول» برای نشان دادن مصادیق آسیب‌های فرهنگی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که جشنواره فیلم فجر که به نام انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، با سینمای تمدنی فاصله دارد. برخی اِعراض‌های صریح از قواعد فقهی نیز هم در سیاست‌گذاری جشنواره و هم در فرآیند تولید، انتخاب و نمایش آثار قابل شناسایی هستند. بعضی عوامل سیاسی و بینشی از مهم‌ترین موانع استمرار سینمای تمدنی معرفی شده‌اند. همچنین، مقاله در تلاش است تا رسالت هنرمندان جشنواره را نسبت به وظیفه فراملّی و برون-مرزی‌شان در سطح جهان اسلام(و به‌دنبال اهداف تمدنی مندرج در بیانیه گام دوم) نشان دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

واژگان کلیدی: جشـنواره فیلم فجر، سـینما، فرهنگ و تمدن، هویت و شـخصـیت، اسلام و غرب، اخلاق و فقه.

تاریخ دریافت: ۰۰/۱۲/۰۶ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۱/۲۱

فصـلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سـال ۱۱، شـماره ۲، پیاپی ۴۳، تابسـتان ۱۴۰۱، صص ۳۴۹-۳۷۶

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

تمدن از واژه لاتین Civitas معادل با Poleis در یونان باستان است که بر مبنای آن، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند که سازنده شکل برتری از زندگی است؛ شهر معلول تمدن است. در این نظام اجتماعی، دست‌آوردهای فرهنگی تسریع می‌شوند. تلقی مسلط از تمدن در غرب، پیوند جدایی‌ناپذیری با اندیشه پیشرفت اجتماعی داشته و به‌معنای پیروزی عقلانیت بر دین، زوال شیوه‌های سنتی و اعتلای نگرش مادی به جهان هستی و اجتماعی است. یکی از ویژگی‌های تمدن را می‌توان جهانگردی تمدن معرفی کرد که به‌معنای ارتباطات و تبادل اطلاعات برای توسعه کمّی و کیفی آن تمدن به‌شمار می‌رود (کاشفی, ۱۳۹۶: ۴۵-۴۱). درباره رابطه فرهنگ و تمدن می‌توان گفت که فرهنگ تمدن‌زا و تمدن فرهنگ‌افزاست؛ یعنی تأثیر فرهنگ بر تمدن اثر زایشی و تأثیر تمدن بر فرهنگ اثر افزایشی دارد (کاشفی, ۱۳۹۶: ۵۱-۵۲). انواع هنر کلاسیک و مدرن نقش مهمی در بسط باورها و آرمان‌های تمدنی دارند. در این میان، سینما هم به‌عنوان بازتاب‌دهنده واقعیت‌های موجود و هم به‌عنوان نشان‌دهنده اهداف و آرمان‌ها جایگاه ممتاز و بی‌مانندی دارد. بنابراین، یک قرائت و فهم از هنر سینما، قرائت و فهمی تمدنی است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به‌طور کلی، سیر تحولات فرهنگی هر جامعه هم در لایه‌های عمیق معرفتی(مانند ارزش‌ها) و هم در لایه‌های بیرونی و نمادین(مانند هنر) تأثیرگذار است. فرهنگ هر جامعه توسط افراد معنادار می‌شود و این معنا به وجه مادی فرهنگ(مانند آثار هنری) نیز تجلی می‌یابد. بررسی معنای آثار هنری از وجود بنیانی معرفت‌شناسانه حکایت دارد (Barry, ۱۹۹۹: XI). اساساً، اندیشه‌ها و ارزش‌های هنرمند که خود به‌صورت اجتماعی شکل گرفته‌اند، از طریق قراردادهای فرهنگی(مانند سبک‌ها) منتقل می‌شوند (ولف, ۱۳۶۷: ۸۳).

جرج زیمل به بهره‌مندی و نیز محرومیت محتوای هنر از مؤلفه‌های دینی اشاره کرده است. او در «فلسفه پول» بیان می‌کند که به جریان افتادن پول در جوامع مدرن تأثیر عمیقی بر شیوه برآوردمان از نسبت موجود میان «چیزها» و «ارزشِ» آنها داشته است؛ به‌نحوی‌که با نوعی عینیت‌پذیری ارزش‌ها روبه‌رو می‌شویم و این موضوع، دلالت بر طلیعه غلبه جهان‌بینی کمّی تمدن غرب دارد. بر این اساس، اندیشه بشر از صورت کیفی به صورت کمّی گذار کرده است (بودن, ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۴). همچنین از نظر زیمل، دین می‌تواند کلیت محتوای هنر را فارغ از ارائه فرم(ساختار) ترسیم نماید (زیمل, ۱۳۸۸: ۱۷۱). رنه گنون بر این باور است که اختلاف نگاه کمّی و کیفی بین دنیای جدید و سنتی به عرصه هنر نیز تسری یافته است (گنون, ۱۳۶۱: ۶۷۸-۶۷۶). در نتیجه جهان‌بینی کمّی تمدن غرب، تعریف هنر بر مبنای معرفت‌شناسی یونانی(که دوره مدرن از آن متأثر بوده است)، ناظر به وجه محسوس و مادی زیبایی است (مددپور, ۱۳۸۳: ۳۲۲-۳۲۱)؛ (آژند, ۱۳۷۴: ۴۰)؛ (راودراد, ۱۳۸۲: ۱۸-۱۹).

در مقابل، توجه به ساحت معنا و ارزش‌ها را می‌توان در هنرهای اسلامی جست‌وجو کرد. بر این مبنا، هنر صرفاً مشتمل بر وجه محسوس و مادی یک اثر نیست و به وجوه فرهنگ غیرمادی نیز مرتبط است (موسوی, ۱۳۹۰: ۲۷). متفکران مسلمان نظیر ابونصر فارابی، ابوعلی سینا و ابوحامد محمد غزالی عموماً در بحث نظری، هنر را فراتر از صورت و فرم(ساختار)، به محتوای معناییِ آن متصل می‌سازند. به‌عنوان مثال، فارابی هنر را تجلی وجود به نحو افضل و برتر(کمال) چه در وجه محسوس و مادی و چه غیرمادی تعریف کرده است (مفتونی, ۱۳۹۰: ۷۳-۷۲). به‌طور کلی از منظر اسلام، نوعی انطباق بین هستی‌شناسی و زیبایی‌شناسی وجود دارد (ملاصالحی, ۱۳۷۸: ۶۴)؛(موسوی, ۱۳۹۰: ۳۲). اندماج معنویت برآمده از دین(اسلام) یکی از مهم‌ترین خصایص هنرهای اسلامی ایرانی بوده است (عرفان منش, ۱۳۹۳).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برخلاف رویکرد کانتی مبنی بر بی‌غرض بودن آثار هنری، دوسویگی و اتصال عناصر فرهنگی و دینی با هنرهای اسلامی از مواردی است که عموماً در هنرهای مختلفی قابل شناسایی است (Pope, ۱۹۷٦: ۲)؛ (Leaman, ۲۰۰٤: ۱۲). دین جهت‌دهی و سمت و سو را برای هنر مشخص می‌کند (باستید, ۱۳۷۴: ۱۸۹) و به‌طور مثال، از مجرای جامعه بر هنرهای اسلامی ایرانی به چند طریق تأثیر گذاشته است (عرفان‌منش, ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۱۲): الف)ایجاد انگیزه برای هنرمند؛ ب)محتوای هنر؛ ج)توجه به مخاطب هنرها.

بنابر آن‌چه بیان شد، تمدن از طریق فضای فرهنگی جاری و حاکم بر خود می‌تولند کلان-راهبردها و کلان-مسیرها را برای نقش‌آفرینی و جریان‌سازی هنر سینما فراهم کند. سینمای غرب در مسیر اهداف تمدنی خود که منبعث از عقلانیت ابزاری، عرفی و منقطع از حیات دینی است، حرکت کرده است. نشانه‌های گویای این جریان را می‌توان آشکارا در سینمای Hollywood ردیابی کرد. فیلم‌های این سینما و نیز سینماهای مشابه با آن، در کنار منطق تجاری، متأثر از مقاصد و اغراض سیاسی و ایدئولوژیک (مانند القای قرائت خاص آخرالزمانی برآمده از صهیونیسم) هستند. در مقابل، می‌توان به جبهه فکری اسلامی اشاره کرد. به‌طور خاص، انقلاب مستمر اسلامی طلیعه‌ای برای احیای نگرش خلیفه‌اللهی به انسانِ جامعه‌پرداز و تمدن‌ساز بوده است. این مضمون والا در بیانیه گام دوم انقلاب صراحتاً مطرح شده است. بالتبع، هنر سینمای مبتنی بر ارزش‌ها و اهداف انقلاب اسلامی قرار است که با اسلوب و سبکی متفاوت، نوعی جریان‌سازی معنوی را در سطوح ملّی و بین‌المللی رقم بزند.

از سال ۱۳۶۱ تاکنون، یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی مربوط به سینمای پس از انقلاب اسلامی ایران «جشنواره فیلم فجر» بوده است. علی‌الاصول، قرار است که این جشنواره مظهر و نماینده جریان متفاوتی از آثار به‌لحاظ محتوا و متناسب با رسالت‌ها و اهداف ایران اسلامی باشد. در آیین‌نامه چهلمین دوره، اهداف جشنواره این‌چنین تعریف شده است: «سینمای ایران به‌عنوان پرتوی درخشانی از فرهنگ ایرانی و اسلامی همواره در سراسر جهان با ارزش‌های انسانی، اخلاقی، انقلابی و معنوی شناخته شده است. جشنواره فیلم فجر با تکیه بر این کلان-ارزش‌ها و با هدف حمایت از سینمای اخلاق‌مدار، امیدآفرین و آگاهی‌بخش به‌منظور آثار برگزیده یک سال سینمای ایران و تقدیر از تلاش هنرمندانه سینماگران خلاق و فراهم آوردن زمینه رشد و اعتلای آثار سینمایی بر پایه هویت ملّی و دینی برگزار می‌شود»

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

(دبیرخانه جشنواره فیلم فجر , ۱۴۰۰: ۱). اکنون با گذشت چهل دوره از برگزاری جشنواره، به‌نظر لازم است که آسیب‌شناسی فرهنگی این رویداد، نه بر اساس جریان‌شناسی و تبارشناسی ادوار یا تحلیل گفتمان‌گونه، بلکه منطبق بر کلان-معیارهای تمدنی به‌شیوه‌ای علمی و روشمند انجام شود. از این‌رو، این مقاله تلاش می‌کند که نوعی تحلیل آسیب‌شناسانه فرهنگی از جشنواره فیلم فجر بر اساس سینمای تمدنی تراز(مطابق با اهداف جریان‌ساز تمدنی انقلاب اسلامی) را پیگیری کند.

۲- هدف و پرسش‌های پژوهش

عمده‌ترین هدف عبارت است از: آسیب‌شناسی فرهنگی جشنواره فیلم فجر با محل تمرکز قرار دادن چهلمین دوره (بهمن‌ماه ۱۴۰۰) و با عنایت به سینمای جریان‌ساز تمدنیِ برازنده اهداف و مسیر پیشِ رو در انقلاب مستمر اسلامی.

پرسش‌های اصلی عبارت هستند از: ۱- دلالت‌ها و ضرورت‌های سینمای تمدنی مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی(به‌عنوان سندی تمدنی) شامل چه مؤلفه‌هایی است؟ ۲- مصادیق آسیب‌های موجود در جشنواره فیلم فجر که نشان‌دهنده انحراف از معیار و اصول محسوب می‌شوند، شامل چه مواردی است؟

۳- پیشینه پژوهش

مرشدی‌زاد و همکاران(۱۳۹۱) در پژوهشی به بازنمایی هویت دینی در سینمای پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند که بر طبق آن، در دهه سوم انقلاب به بعد تقریباً محتوای سینما از کنترل نهادهای سیاسی و دینی خارج شده است. آن‌چه در سینما باقی مانده، صرفاً توجه به برکات دین فردی و شناخت فردی از دین در قالب اخلاق فردی است. به‌عبارت دیگر، نوعی حرکت از هویت سنتی دین به‌سمت هویت تجدیدنظری از دین در آثار سینمایی مشهود است.

جلیلوند و سرخیل(۱۳۹۸) نقش گفتمان اسلامی سیاسیِ فقاهتی بر سینمای سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را واکاوی کرده‌اند که بر طبق یافته‌های‌شان، سیاست‌های کلان فرهنگی کشور در حوزه سینما نسبتاً متأثر از آبَر-گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی بوده که خود را در قالب نهادسازی، تشکل‌سازی و حمایت از فیلم‌های دارای مفاهیم انقلاب اسلامی نشان داده است. این گفتمان به ترویج فرهنگ انقلابی و مقابله با تهاجم فرهنگی می‌پردازد که معرف آنها عبارت‌اند

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از: واقع‌گرایی و سازندگی، صلح‌گرایی و مردم‌سالاری، اصول‌گراییِ عدالت‌محور، اعتدال، مصلحت‌گرایی اسلامی.

فیاض و بیچرانلو(۱۳۹۸) به طرح موضوع جغرافیای ارتباطی سینمای ملّی ایران اشاره کرده‌اند؛ با این هدف که مبنای حرکت و نقشه راهی برای رویکرد سینمای ملّی ترسیم کنند. از نظر آنها، درهای سینمای ایران برای هر آن‌چه از خارج وارد می‌شود، گشوده بوده و در نتیجه، مسائل بینافرهنگی سینما به‌درستی مدیریت نشده‌اند. سینمای ملّی باید به ابعادی جغرافیایی همچون ارتباطی-مواصلاتی، زبان فارسی، مهاجرت، فکری-شناختی، تحیل، موسیقی و نگارگری توجه داشته باشد.

عاشوری و یوسفی(۱۳۹۹) به بررسی شاخص‌های سینمای تراز جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی مبادرت کرده‌اند که مقولات مستخرج از بیانات و توصیه‌های رهبری شامل سینمای متعهد، سینمای دفاع مقدس، سینمای دینی، سینمای معناگرا، هنر متعهد، هنر دینی و هنر انقلابی است. هر یک از این مقولات دارای شاخه‌ای از مفاهیم معرّف هستند.

آشنا و اسدزاده(۱۳۹۹) نظریه سینمای دولتی ایران را با تحلیل سیاست‌گذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی پیگیری کرده‌اند که بر طبق آن، سینمای ملّی در هر مقطع سیاسی و با تسلط یک جناح سیاسی تعبیر و تجویز شده است. بی‌توجهی به اهداف بومی به‌عنوان پروژه‌ای فرهنگی یکی از مسائل بوده است. جشنواره فیلم فجر یکی از عرصه‌های مسلط کردن رویکرد دولت‌ها نسبت به سینما بوده است. اشتراکی درباره این‌که کدام سینما می‌تواند متناسب با ارزش‌های انقلاب باشد، وجود نداشته است و عناوین متنوعی همچون سینمای دینی، معناگرا، ارزشی، دفاع مقدس، مصلحانه، فاخر و غیره نشان از تشتت سیاست‌ها دارد.

جوهری و وکیل(۱۳۹۹) به مسائل سیاستی سینمای ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی پرداخته‌اند که بر طبق آن، مسائل شامل وجوه متنوعی از جمله مدیریتی، زیرساختی، مضامین سینمایی، بین‌الملل، مخاطب، جشنواره، اقتصاد، سیاست، اندیشه و غیره هستند. در این پژوهش، توجه به دین در وجه بین‌الملل سینمای ایران نیازمند اهتمام تشخیص داده شده است؛ ضمناً به کلان-موضوع جهانی‌شدن سینما باید توجه کرد. دیپلماسی ناظر به سینما برای حضور مؤثر در جشنواره‌های بین‌المللی نیز محل توجه بوده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جمع‌بندی: می‌توان چنین ادعا کرد که تاکنون، هیچ پژوهشی مستقلاً به آسیب‌شناسی فرهنگی جشنواره فیلم فجر از منظر سینمای تمدنی نپرداخته است. فقدان ادبیات و پژوهش درباره این موضوع راهبردی، خود نشان‌دهنده بخشی از آسیب فرهنگی در سینمای ایران است. این مقاله تلاش می‌کند تا اهمیت توجه به سینمای تمدنی تراز را به‌عنوان موضوعی حیاتی و فرادولتی برای انقلاب اسلامی(با تأکید بر گام دوم) محل تمرکز و تحلیل قرار دهد.

۴- ملاحظات نظری

مباحث این بخش عبارت‌اند از: الف)در تعریف مفاهیم، منظور از تحلیل آسیب‌شناسانه مشخص می‌شود؛ ب)در مبانی نظری، ابتدا تسری دو دیدگاه ناسوتی و لاهوتی از هنر در سینمای غربی و اسلامی توضیح داده خواهند شد و سپس رویکرد «حیات معقول» به‌مثابه یکی از مبانی قابل اتکا نسبت به هنر(با تأکید بر سینما) معرفی می‌شود. ج)جمع‌بندی نظری بر اساس تحلیل آسیب‌شناسی فرهنگی فیلم‌ها بیان خواهد شد.

۴-۱- تعریف مفاهیم: مفهوم آسیب‌شناسی در تحلیل اجتماعی-فرهنگی

آسیب اجتماعی به سطح پیامدی و تبعی مربوط می‌شود. هنگامی‌که برخی از مسائل اجتماعی در سطح وسیعی از یک اجتماع یا جامعه گسترده و پراکنده شوند، پیامدها و تبعات ناسازگار و برهم‌زننده‌ای در شاکله آن نظام اجتماعی نمایان خواهد شد. چنین آثار منفی و تبعات اجتماعی را می‌توان «آسیب اجتماعی» تلقی کرد. همچنین، این امکان وجود دارد که آسیب‌های اجتماعی به بازتولید مسائل و آسیب‌های دیگری منجر شوند. ماهیت آسیب‌ها، عینی-ذهنی است؛ به‌عبارت دیگر، ذهنیت کنشگران اجتماعی در تعریف برخی از شاخص‌های آسیبی در کنار نمودهای بیرونی، سهم دارند. به‌علاوه، تأثیرپذیری افراد از آسیب‌ها یکسان نیست و عده‌ای بیش‌تر در معرض سویه‌های منفی اجتماعی قرار دارند. آسیب‌پذیری با متغیرهای اجتماعی دیگری(مانند سن، جنس، تحصیلات، شغل و به‌طور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی) در ارتباط است (عرفان‌منش, ۱۳۹۹: ۳۲-۳۰).

آسیب اجتماعی نقطه مقابل سلامت اجتماعی است. هنگامی فرد را می‌توان دارای سلامت اجتماعی دانست که بتواند فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف بروز دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی پیوند برقرار کند. پس،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سلامت اجتماعی به‌معنای ارزیابی رفتارهای معنی‌دار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران است که به کارایی او در جامعه منتج می‌شود. در این شرایط، انسجام اجتماعی و احساس پیوند به جامعه افزایش می‌یابد (Lareson, ۱۹۹۳: ۲۵۷)؛(Keyes,۱۹۹۸). بنابراین، واکاوی و شناخت ابعاد ناسازگار با شاکله یک مجموعه یا نظام اجتماعی رویکردی آسیب‌شناسانه را برای پژوهش‌ها فراهم می‌آورد. «آنومی» نوعی از بی‌هنجاری ناشی از خلأ اخلاقی، تعلیق قواعد و بعضاً بی‌قانونی را توصیف می‌کند. پس، این نوع بی‌هنجاری گسترده و بحرانی نشان‌دهنده شرایطی است که از پیش، رفتارها به‌طور هنجاری معین شده باشد (کوزر & روزنبرگ, ۱۳۸۷: ۴۰۱). درباره نسبت آسیب‌شناسی اجتماعی با آسیب‌شناسی فرهنگی در جمع‌بندی نظری مقاله توضیحاتی ارائه خواهد شد.

۲-۴- مبانی نظری

۱-۲-۴- هنر تمدنی با رویکردهای ناسوتی و لاهوتی

سه نگرش به تاریخ قابل تمایز هستند که رویکرد به فلسفه تاریخ و تمدن را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند (کافی, ۱۳۹۳: ۴): اول، نگرش لاهوتی است که بر طبق آن، همه کائنات به‌سوی منشائی الهی و لاهوتی سیر می‌کنند و دارای هدف و معنا هستند. تاریخ عرصه تجلی مشیت الهی است. دوم، نگرش ناسوتی و انسانی است که جامعه انسانی را واجد هدفی می‌داند که خود انسان باید به آن واصل شود. سوم، از یک سو، نسبی و انسانی است و از سوی دیگر، جنبه لاهوتی دارد. فلسفه تاریخ به‌معنای اندیشیدن درباره تاریخ است؛ موضوعاتی همچون مبدأ و فرجام و چگونگی و چرایی سرنوشت ملت‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و بشریت محل تأمل هستند (کافی, ۱۳۹۳: ۵). هنر تمدنی متأثر از یکی از رویکردهای سه‌گانه خواهد بود. غرب (همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد) عمدتاً نگرش دوم را تعقیب کرده است و رویکرد سوم با مبانی هنر تمدنی انقلاب اسلامی مسانخت دارد.

فلسفه نظری تاریخ دارای قضاوت ارزشی است؛ برای مثال، مسلمانان بر اساس باور به قرآن، نوعی باور به قانونمندی تاریخ و تمدن وجود دارد که کاویدن آنها مستلزم فراتر رفتن از متن تاریخ بشری و پرداختن به برخی مباحث متافیزیکی و دینی است. قرآن مجموعه‌ای از توصیفات را به ما ارائه می‌دهد که برای رهبری انسان در مسیر خود به‌سوی آینده‌ای بهتر می‌توان از آنها استفاده کرد. نزاع موجود، نزاع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

میان حق و باطل اســت. در بینش قرآنی، موعودگرایی نوعی آینده‌نگری اســت، زیرا ظهور منجی و باور به موعود مرحله‌ای از مراحل تاریخ و پیش‌درآمدی برای پایان تاریخ اســت. این آینده‌نگری برخاســته از روح و فطرت اســت (کافی, ۱۳۹۳: ۱۲۰). بنابراین، هنر منبعث از رویکرد انقلاب اســلامی، هنری فارغ از ارزش‌های معنوی نیست.

تمدن جدید همراه با نفی عقلانیت حقیقی و محدود کردن شناخت به پایین‌ترین مرتبه‌ها شکل گرفت (گنون, ۱۳۸۷: ۳۱). کلمه‌ای که در زمان رنسانس عزت یافت و از پیش تمام برنامه تمدن جدید را در خود خلاصه می‌کرد، اومانیسم است. آدمیان علاقه‌مند بودند که همه چیز را به نسبت‌های صرفاً انسانی تقلیل دهند. اومانیسم نخستین صورت چیزی است که بعدها به سکولاریسم معاصر تبدیل شد و تمدن جدید برای تقلیل دادن همه چیز به این معیار که انسان خود غایت فی‌نفسه است، اشتیاقش را نشان داد (گنون, ۱۳۸۷: ۳۳). منشأ تمدن جدید نوعی وارونگی و امری خلاف قاعده بر اساس منطق مراتب هستی از بالا به پایین شکل گرفته است و همه چیز را در سطح پایین، مادی و تشتت در کثرت می‌بیند و هیچ اصل بالاتری را به رسمیت نمی‌شناسد (گنون, ۱۳۸۷: ۳۹-۳۶). در تمدن غرب، عنصری که نشانگر قدرت این-جهانی اســت، مرجعیت و تفوق یافته اســت (گنون, ۱۳۸۷: ۶۴). هجوم ماتریالیسم غربی در لباس‌های مختلف(مانند بهانه‌های اخلاق‌گرایانه یا سخنوری‌های انسان‌دوستانه) فرآیندی است که حقیقتاً شیطانی است؛ یعنی نیرویی که همه چیز را وارونه می‌کند و تمام توســعه تمدن جدید بر مبنای گرایش نزولی(بر خلاف مســیر پایین با بالا) استوار بوده است (گنون, ۱۳۸۷: ۱۴۷). بر این اساس، هنر غرب هنری با ماهیت سکولار خواهد بود.

ماکس وبر ظهور «انسان روان‌شناختی» را اعلام کرد که تغییر اساسی از نظام سلسله‌مراتبی به نظام برابری و نسبیت‌گرایی اخلاقی را پدید آورد. انسان مذهبی زاده می‌شد تا به رستگاری برسد، اما انسان روان‌شناختی به دنیا می‌آید تا لذت ببرد. پس، اعتقادات جای خود را به احساسات می‌دهد (Rieff, , ۱۹۹۰: ۳). پیشگامان علوم اجتماعی ارزش را بافتنی و جعلی و معنا را یک فراورده بشری و ساخته انسانی می‌دانند (رحیم‌پور, ۱۳۹۳: ۱۴). از نظر استیو بروس، سکولاریزاسیون یک وضعیت اجتماعی با سه مؤلفه زیر است (بروس, ۱۳۸۷: ۵۷): ۱)کاهش اهمیت دین برای اداره نقش‌ها و نهادهای غیر دینی ۲)کاهش اعتبار اجتماعی نقش‌ها و نهادهای دینی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳)کاهش در میزان درگیر شدن مردم در اعمال، ایده‌ها و عقاید دینی و تنظیم کردن سایر جنبه‌های زندگی با رویه‌های برآمده از ایده‌های دینی.

تلقی‌ها و تعابیری که اشاره شد، به این دلیل است که مشیت الهی را در تفسیر وجود انسان دخالت نداده‌اند و به اصل وحدت عالی در حیات و در شخصیت بی‌اعتنا بوده‌اند (جعفری, ۱۴۰۰: ۱۱۱-۱۰۹). میان قدرت و کمال تفاوت وجود دارد؛ قدرت نتایج مادی و غیر مادی برای بشر به‌همراه دارد، اما کمال به‌نوعی سازندگی به‌همراه مفهوم ارزشی دلالت دارد. هنگامی‌که یک خود انسانی خویشتن را به‌عنوان محور و هدف مطلق تلقی کرد، از شناخت و پذیرش موجودیت دیگر پدیده‌ها در هر دو قلمرو انسان و جهان، به آن قصد که واقعیاتی برای خود هستند، ناتوان می‌شود (جعفری, ۱۴۰۰: ۱۱۷-۱۱۸). آن‌گاه، چنان آینده‌ای برای جامعه تصویر می‌کنند و وعده می‌دهند که مردم خود را در بهشت(زمینی) می‌بینند (جعفری, ۱۴۰۰: ۱۲۵). اکنون، انسان-خدایی چنان شیوع پیدا کرده که قبول احتمال خلاف آن بسیار دشوار است (جعفری, ۱۴۰۰: ۱۴۱).

۲-۲-۴- رویکرد «حیات معقول» در هویت‌سازی فردی و اجتماعی: معرفی منظر فرهنگی و تمدنی مرحوم علامه جعفری و شهید مطهری

از نظر مرحوم علامه محمدتقی جعفری(ره)، فرهنگ‌ها بیانگر معلومات، خواسته‌ها و آرمان‌های اختصاصی یک جامعه است، در صورتی که تمدن‌ها بیانگر فعالیت عوامل اصیل حیات فردی و اجتماعی است. ممکن است فرهنگ‌ها به علت از بین رفتن عوامل به‌وجود آورنده و ادامه‌دهنده آنها از پویایی بیفتند، اما ایستایی و رکود یک تمدن به‌معنای سقوط آن است. اگر فرهنگ یک جامعه به عوامل اصیل حیات انسانی مستند باشد و عنصر پویایی حیات در دو قلمرو انسان و جهان در متن آن فرهنگ فعالیت داشته باشد، این فرهنگ را می‌توان «فرهنگ تمدن‌زا» نامید. تمدن شامل اجزایی است (جعفری, ۱۴۰۰: ۱۷۱-۱۶۸):

۱)کشف و اجرای یک رشته مواد حقوقی که می‌تواند زندگی اجتماعی انسان‌های جامعه را در شایسته‌ترین شکل آن تنظیم و هماهنگ کند.

۲)لوازمی برای پیدا کردن بهترین راه‌ها به‌منظور مبارزه با عوامل مزاحم دارد.

۳)دارای مدیریت سیاسی منطقی است که بهترین تشکل افراد و گروه‌های اجتماعی را به‌وجود آورد و از قدرت شکوفا ساختن ابعاد مثبت و سازنده آنان بهره‌برداری کند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴)به‌دنبال کشف و به‌کار انداختن فناوری‌های متنوع در راه رفع نیازهای زندگی و بهره‌برداری بیش‌تر از عقل انسانی و مواد طبیعی است.

در مجموع، تمدن یعنی تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیش‌برد اهداف مادی و معنوی برای رسیدن به حیات معقول که به فعلیت رسیدن همه استعدادهای سازنده انسانی در آن حیات دست به‌کار می‌شوند. این تعریف هم توضیح‌دهنده ماهیت تمدن و هم روشنگر اهداف و آرمان‌های جوامع است (جعفری, ۱۴۰۰: ۱۷۵-۱۷۱). اگر رشد و عظمت روحی انسان‌ها برای به‌وجود آوردن حیات معقول در یک تمدن به‌عنوان هدف مطرح نشود، آن تمدن اگرچه هر گونه نمودهای عینی جالب هم داشته باشد، اصالت ندارد. البته هیچ تمدنی نمی‌تواند به جامعه‌ای دیگر برای ایجاد آن حیات معقول دستور دهد، زیرا آن حیات بدون تعقل، آزادی و هدف‌گیری به‌وجود نمی‌آید: «تلک امه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم»[بقره، ۱۳۴و۱۴۱] (جعفری, ۱۴۰۰: ۲۵۸-۲۵۵). از دیدگاه اسلام، تمدن و فرهنگ با همه عناصر ممتازی که دارند، در خدمت حیات معقول انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ نه حیات معقول انسان‌ها در خدمت تمدن و فرهنگ. عامل اساسی آغاز و پایان منحنی تمدن‌ها و فرهنگ خود انسان است (جعفری, ۱۴۰۰: ۲۶۴-۲۶۲). بروز، اعتلا و سقوط جوامع شباهتی بسیار قابل توجه با بروز، اعتلا و سقوط فردی از شخصیت انسان دارد (جعفری, ۱۴۰۰: ۲۷۵).

قیام و نظم عالم هستی بر مبنای حق و تحت مشیت الهی است. البته گرایش بر حق و اجرای آن، احتیاج به تحریک و تعلیم و تربیت دارد و حق چیزی نیست که خود به خود بیاید و دست مردم را بگیرد و به اجبار، آنان را به متبلور ساختن حق در حیات‌شان وادار کند. حق در همه شرایط و در همه نوسانات حیات قابل وصول و اجرا نیست؛ اما می‌توان در راه فراهم کردن زمینه مساعد برای بروز و اجرای حق کوشش کرد. خودپرستی‌ها همان انحرافی است که بشر از مسیر تکامل روحی خود مرتکب می‌شود؛ بدون این‌که بتواند شکستی بر حق و واقعیت وارد آورد (جعفری, ۱۴۰۰: ۲۱۱-۲۱۸).

از نظر شهید مرتضی مطهری(ره)، سه عامل در ساخته‌شدن شخصیت انسان دخالت دارند: عامل درونی فطرت(که خود به خود و تدریجاً در او رشد می‌کند)، عامل بیرونی طبیعت و عامل بیرونی جامعه. همه این عوامل در یکدیگر اثر می‌گذارند و مجموعاً فرهنگ جامعه را می‌سازد (مطهری, ۱۳۸۷، ج۱۵: ۷۹۹). تفاوت عمده و اساسی انسان با دیگر جان‌داران که ملاک انسانیت اوست و منشأ تمدن و فرهنگ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

انسانی نیز شده است، در بینش‌ها و گرایش‌های اوست (مطهری, ۱۳۸۷، ج۲: ۱۸). فرد از آن جهت که ساخته طبیعت است، یک شخص است ولی یک شخصیت نیست (مطهری, ۱۳۸۷، ج۱۵: ۱۲۹). «نظریه فطرت» این است که انسان در متن خلقت و قبل از آن‌که عوامل اجتماعی بر او اثر بگذارد، یک سلسله اقتضائات، تقاضاها و جاذبه‌های انسانی بر حسب اصل خلقت و فطرت در او هست که «جنبه‌های انسانیِ انسان» نامیده می‌شود (مطهری, ۱۳۸۷، ج۱۵: ۹۰۱). بنا بر اصل فطرت، روان‌شناسی انسان بر جامعه‌شناسی او تقدم دارد (مطهری, ۱۳۸۷، ج۲: ۴۰۱).

تمدن، جهانی و فرهنگ، ملّی است؛ البته با توجه به آیه «أن أقیموا للدین و لا تتفرقوا فیه»[شوری، ۱۳]، اقامه دین به اقامه فرهنگ اسلامی است. به عبارت دیگر، فرهنگ‌سازی‌ای که در متن رسالت اسلام قرار گرفته، نه فرهنگی ملّی، بلکه فرهنگی فطری و بشری است؛ ممکن است از جنبه فاعلی وابسته به قومی خاص باشد، اما از جنبه کیفی رنگ قوم خاصی ندارد. رسالت اسلام «تخلیه» انسان‌ها از فرهنگ‌هایی است که دارند، اما نباید داشته باشند؛ «تحلیه» آنها به آن‌چه ندارند، اما باید داشته باشند و «تثبیت» آنها در آن‌چه دارند و باید هم داشته باشند (مطهری, ۱۳۸۷، ج۲: ۳۷۰). اساساً انسان دارای خصوصیت خُلق‌پذیری زیادی است، زیرا موجودی که میدان حرکتش وسیع‌تر باشد، قهراً آسیب‌پذیری و تغییرپذیری بیش‌تری هم دارد (مطهری, ۱۳۸۷: ج۱۵: ۸۹۶). تمدن بشر دو جنبه دارد: جنبه مادی تمدن، فنی و صنعتی است و جنبه معنوی تمدن مربوط به روابط انسانی انسان‌هاست. جنبه معنوی تمدن مرهون تعلیمات پیامبران است و در پرتو همین جنبه است که جنبه‌های مادی تمدن مجال رشد می‌یابند (مطهری, ۱۳۸۷، ج۲: ۱۶۹). بشر به حکم این‌که خلیفه‌الله است، باید تمدن را با نقشه، طرح و ابداع خود بسازد (مطهری, ۱۳۸۷، ج۲۱: ۱۳۱).

۳-۴- جمع‌بندی نظری

با جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده، مشخص می‌شود که مؤلفه‌های فرهنگی قابلیت نفوذ و تأثیرگذاری در جنبه‌های درونی و کیفی یک نظام اجتماعی را خواهند داشت. بنابراین، «آسیب‌شناسی فرهنگی» دلالت بر رویکردی فرهنگی در جهت شناخت و تحلیل عوامل ناهم‌سنخ، غیربومی و برهم‌زننده نظم(نظام انسان و جهان) در یک نظام، نهاد یا سازمان اجتماعی و نیز سطح فردی دارد؛ به‌گونه‌ای که آن عوامل با ایجاد اختلال و اعوجاج در تعقل، آزادی و هدف‌گیری مانع از تحقق حیات معقول می‌شوند. همچنین، عوامل مسخ‌کننده شخصیت فطری افراد قابل شناسایی و بررسی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

هستند. اگر هنر سینما بر مدار مؤلفه‌های حیات معقول شکل بگیرد، سینمایی متناسب با اهداف تمدنی انقلاب اسلامی خواهد بود؛ اما اگر از این مدار خارج شود یا بر مدار سینمای ناسوتی و مادی‌گرا(شبیه تمدن غرب) حرکت کند، نوعی ناهمسازی و انحراف از نظام و هیئت ارزش‌های حاکم بر جامعه را سبب خواهد شد.

۵- روش پژوهش

این مقاله از دو روش کیفی دلالت‌پژوهی و تحلیل مضمون استفاده کرده است که در ادامه به اختصار توضیح هر یک ارائه می‌شوند.

در بخش دلالت‌کاوی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس رویکرد «حیات معقول» به هنر سینما از دلالت‌پژوهی استفاده شده است. هنگامی‌که ایده‌ها و نظرات یک رویکرد یا یک متفکر منشأ الهام یا دلالت برای یک حوزه مطالعاتی یا عناصر آن قرار می‌گیرد، شروع یک دلالت‌پژوهی است. این مقاله از «دلالت‌پژوهی برایشی» استفاده کرده است که بر طبق آن، پرسشی کلی مطرح می‌شود تا مشخص بشود که مأخذ دلالت‌پژوهی چه دلالت‌هایی را برای عرصه کلی بحث پژوهشگر دارد. در این روش، نوعی استقراض از یک دیدگاه برای یک بینش کلی‌تر مورد نظر پژوهشگر اتفاق می‌افتد که توصیفی-تحلیلی خواهد بود (خنیفر & مسلمی, ۱۳۹۸، ج۲: ۳۸۰-۳۷۸).

یکی از روش‌ها و شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی تحلیل مضمون است. این روش مجموعه داده‌های با جزئیات بسیار را سازمان‌دهی و شرح می‌دهد. لازم است که اطلاعات بر اساس موضوع در دسته‌های معنادار طبقه‌بندی شوند تا سپس برای خلاصه و تحلیل آمده باشند. مضمون یک اصل تکرارِ ایجاد شده درون مقوله‌ها یا گسست میان مقوله‌هاست که در کل، رشته‌ای از معانی برجسته و واحدهای معانی فشرده شکل می‌گیرند و رمزها و مقوله‌ها بر اساس سطوح تفسیری است. در تحلیل مضمون، فرآیندی منظم برای آشکارسازی محتوای مندرج در متن اتفاق می‌افتد. این مقاله از تکنیک «تحلیل مضمون قیاسی» استفاده می‌کند که بر طبق آن، پژوهشگر کدها را بر اساس نظریه یا نظریات مشخصی انتخاب، علائم‌گذاری و دسته‌بندی می‌کند (خنیفر & مسلمی, ۱۳۹۸، ج۱: ۵۸-۵۱). بر طبق نمونه‌گیری هدفمند پیشین(بر اساس حضور ژانرهای متفاوت)، ۱۰ فیلم از چهلمین دوره جشنواره فجر شامل «بیرو، علفزار، برف آخر، ملاقات خصوصی، بی‌مادر، نگهبان شب، شهرک، ضد، موقعیت مهدی، شادروان» انتخاب، تماشا و محتوای آنها تحلیل مضمون شدند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۶- یافته‌های پژوهش

محور «۶-۱» در پاسخ به پرسش اول مقاله و محور «۶-۲» در پاسخ به پرسش دوم مقاله هستند که در ادامه تشریح می‌شوند.

۶-۱- دلالت و معناکاوی ضرورت‌ها و ملاحظات برای سینمای تمدن‌ساز

بر اساس منظر تحلیلی تمنای «حیات معقول»، می‌توان به یکی از مهم‌ترین اسناد جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدنی یعنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مراجعه کرد. در جدول زیر، مهم‌ترین مؤلفه‌های مستخرج که بر اساس دلالت‌کاوی استحصال شده‌اند، معرفی می‌شوند.

جدول ۱- دلالت‌کاوی ضرورت‌ها و ملاحظات برای سینمای تمدن‌ساز در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محورهای بیانیه	متن بیانات	مؤلفه‌های مستخرج(ضرورت‌ها و ملاحظات برای هنر سینما)
ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی	[انقلاب] از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.	**C_1 خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی**
شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده انقلاب اسلامی	آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.	**$C_{2:a\&b}$ * آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری * روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی به‌عنوان عامل دل‌زدگی**
جمهوری اسلامی و فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها	جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست؛ اما به اصول خود به‌شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است.	**$C_{3:a\&b}$ * احساس و ادراک در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو * پایبندی به اصول و مرزبندی با رقیبان و دشمنان**
انقلاب اسلامی؛ مایه سربلندی ایران و ایرانی	با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل	**C_4 جوانمردی و مروت انقلابی و صداقت و صراحت و اقتدار در دفاع از مظلومان**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

	جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.	
برای برداشتن گام‌های استوار در آینده؛ باید گذشته را درست شناخت	رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند.	**$C_۵$ هوشیاری نسبت به رهزنان فکر و عقیده و آگاهی**
سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور	جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است؛ البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینهاست.	**$C_۶$ بسط عدالت‌محوری نه فقط در مرکز بلکه در همه‌جای کشور**
افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه	عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش داد و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است.	**$C_۷$ افزایش عیار معنویت و اخلاق در شرایط سقوط اخلاقی و تبلیغات جهت‌دهنده به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت**
جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی	مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به‌کار بندند.	**$C_۸$ نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی**
گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده	نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست‌ودل‌های امین و خدمت‌گزار، به‌مراتب بیش‌تر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است.	**$C_{۹:a\&b\&c}$** *** امید و نگاه خوش‌بینانه** *** هوشیاری نسبت به خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ** *** انصاف در نشان دادن رویش‌های انقلاب و ریزش‌های آن**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

معنویت و اخلاق	معنویت به‌معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به‌معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.	**C_{10}:a&b&c** *** توجه به ارزش‌های معنوی مانند اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه** *** توجه به فضیلت‌هایی مانند خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس** *** معنویت و اخلاق به‌عنوان جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی**
عدالت و مبارزه با فساد	عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیش‌تری صورت گیرد و توطئه واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیمناک باشد.	**C_{11}:a&b&c** *** خنثی کردن توطئه واژگونه‌نمایی، سکوت و پنهان‌سازی نسبت به عدالت** *** توجه به رفع محرومیت‌ها** *** جلوگیری از شکاف‌های عمیق طبقاتی**
استقلال و آزادی	«آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.	**C_{12}** **عدم تعریف آزادی در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی**
سبک زندگی	تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.	**C_{13}** **جلوگیری از ترویج سبک زندگی غربی**

۲-۶- مصادیق انحراف از برخی معیارهای فرهنگی و تمدنی در جشنواره فیلم فجر: با اشاره‌ای به انطباق با قواعد فقهی

با تحلیل نمونه‌های انتخاب شـــده از فیلم‌های چهلمین دوره از جشـــنواره فیلم فجر(و صـــرف نظر از برخی آثار متمایز مانند فیلم «موقعیت مهدی») و نیز تحلیل شیوه برگزاری جشنواره مشخص می‌شود که در وجه آسیب‌های فرهنگی(هم به‌لحاظ محتوا و هم به‌لحاظ ســاختار) انحرافاتی از رویکرد حیات معقول(که برازنده ســینمای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تمدنی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود)، قابل استخراج هستند. در جدول زیر، مصادیق تشریح شده‌اند.

جدول ۲- مصادیق انحراف از برخی معیارهای فرهنگی و تمدنی در جشنواره فیلم فجر

تشریح مصادیق	کد در محور معیارها
* دامن زدن به تعلیق و توقف هویت * رواج واسازی از ایده‌های جامعه‌پردازانه * بی‌توجهی به مضامین عالی تمدن‌سازانه(دنباله‌روی و بازی در میدان قواعد برخی از ابعاد امپراتوری سینمای غربی)	C_1
* غلبه رویکرد سلبی تا ایجابی(برجسته‌نمایی و افراط در نمایش بی‌اخلاقی‌ها) * نمایش دل‌زدگی از ارزش‌های دینی * القای شکاف میان بدنه مردم و حاکمیت	$C_{2:a\&b}$
* تردید در پایبندی به برخی از اصول * عدم رعایت مرزهای هویتی * نمایش هویت‌های منقطع از پیشینه دینی و فرهنگی	$C_{3:a\&b}$
* ترویج روحیه و هنجارهای مادی‌گرایی و دنیاگرایی	C_4
* تبدیل شدن جشنواره به محل تفاخر، تظاهر و نشان دادن لباس اهل شهرت	C_5
* عمدتاً تمرکز بر مسائل و فضای پایتخت(شهر تهران)	C_6
* قلت آثار معناگرا و اخلاق‌گرا * الگوآفرینی چهره‌های ناسالم برای مردم و نسل جدید	C_7
* افتخار کردن یک بازیگر به گرفتن دستمزد چند میلیاردی و تبختر به عدم اعلام آن * زائل شدن یا به محاق رفتن فلسفه وجودی و اسم جشنواره به‌عنوان جشنواره فجر انقلاب اسلامی	C_8
*رواج یأس و بدبینی به‌جای امید و خوش‌بینی(پنهان کردن عمده جلوه‌های امیدبخش) * برجسته‌سازی برخی عیوب و دل‌سردی از بعضی آرمان‌های انقلاب * افتخار کردن به نشان دادن مسائل اجتماعی و فرهنگی و نپرداختن و نشان ندادن راه حل‌ها و چاره‌ها * یاد دادن بی‌اخلاقی‌ها و راه‌های غیر انسانی و غیر شرعی برای راه افتادن امور زندگی	$C_{9:a\&b\&c}$
* ضعف در نمایش آثار و برکات ارزش‌های معنوی و فضیلت‌های اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی * رواج بی‌عفتی کلامی و خشونت کلامی و رفتاری * بی‌اعتنایی وسیع به شئونات دینی(مانند تضعیف عفاف و محرمیت) به ویژه از بین رفتن حریم میان زن و مرد مسلمان	$C_{10:a\&b\&c}$

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

* ایجاد سرگردانی در مخاطب در معرفی مراجع و الگوهای هویت‌ساز * ترویج انواعی از شک و تردیدهای جدید بدون ارائه راه حل و پاسخ * نمایش رقابت‌های ناسالم و غیرمفید * غلبه احساسات و هیجانات بر عقل * ترویج قانون‌گریزی، سرکشی و طغیان در برابر برخی هنجارها و قواعد * وفور اذیت‌کننده و افراطی صحنه‌های استعمال مواد دخانی	
* پنهان‌سازی کارهای عادلانه * بدسلیقگی در نمایش شکاف‌های عمیق طبقاتی(رؤیاپردازی‌های واهی از سبک زندگی ایدئال) * ترویج مدگرایی و لذت‌گرایی * قلب معیارهای تشخص‌بخش به حیات فرد * ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات؛ نه ایجاد پایگاهی برای شبهه‌پراکنی	$C_{11:a\&b\&c}$
* القای تعریف متفاوت از آزادی * بی‌توجهی به رده‌بندی سنی در فیلم‌ها	C_{12}

با اســـتعلنت از قواعد فقه (قانع, ۱۳۹۷)، می‌توان صـــراحتاً ابعاد و اضـــلاعی از منقصت‌های موجود در فیلم‌های جشنواره فجر و نحوه سیاست‌گذاری فرهنگی برای این رویداد را احصـــا کرد که در جدول زیر برخی از مهم‌ترین موارد به‌عنوان نمونه آورده شده‌اند.

جدول ۳- مصادیق برخی اِعراض‌ها و عدول‌ها از برخی قواعد فقهی در سیاست‌گذاری فرهنگی سینمای ایران

قاعده «لا ضرر و لا ضِرار»	* انتقال پیام‌های گمراه‌کننده * خودنمایی و بدحجابی * ترویج فرهنگ بیگانه * ممیزی نکردن و انتخاب نادرست آثار پیش از نمایش
قاعده «إتلاف بالمباشره و بالتسبیب»	* مصرف کردن بودجه‌های نهادهای فرهنگی برای حمایت از هنرهای غیر اخلاقی(حمایت از آثار سکولار)
قاعده «إغراء به جهل»	* ضرورت نگفتن و نپرداختن به همه جزئیات مسائل و آسیب-های اجتماعی جامعه برای جریحه‌دار نشدن افکار عمومی و ایجاد تفرقه
قاعده «حرمت تعاون بر إثم»	* نشان دادن ضعف‌های جامعه ایران اسلامی و امکان تحلیل آثار از سوی معاندین برای برنامه‌ریزی علیه مصالح اجتماعی و فرهنگی نظام
قاعده «نفی سبیل»	* دنباله‌روی از مظاهر سینمای تمدن غرب و نپرداختن به بدیل-ها * سبک‌پردازی زندگی غربی‌ها

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۷- نتیجه‌گیری

برخلاف تعدادی از پژوهش‌های پیشین که در این مقاله نیز مرور شدند، به‌نظر می‌رسد که تاکنون نظام فرهنگی حاکم بر سینمای ایران(فارغ از آمد و رفت سیاست‌های فرهنگی متأثر از رویکرد دولت‌ها)، نتوانسته است به‌لحاظ کمّی و کیفی به‌نحو مطلوبی در مسیری تمدنی جریان‌سازی کند. رویکرد «حیات معقول» که رسالت انسان را در ساحت‌های خودسازی و جامعه‌سازی ترسیم می‌کند، اقتضا دارد که هنر یاریگر مخاطبان در پیمودن سیر صعودی هویتی و شخصیتی باشد. قرار نیست که سینمای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای الگوهای برآمده از سینمای تمدن غرب حرکت کند. باز-تنظیم محتوا و ساختار فیلم‌های سینمایی ایران، به‌ویژه آثار جشنواره فجر، به‌منظور روایتگری مزیت(نسبی و رقابتی) فرهنگی ایران اسلامی یک راهبرد تمدنی است. فیلم‌های جشنواره فجر باید نمایندگان امانت‌داری برای این راهبرد باشند. سینمای تمدنی سینمایی وحدت‌آفرین میان جریان‌های مختلف هنرمندان سینمایی ایران، فراتر از منازعات سیاسی و جناحی، عمل می‌کند. البته رسیدن به سینمای تمدنی نیازمند افزایش آگاهی‌بخشی به هنرمندان نیز هست. به‌نظر می‌رسد که نوعی تصلب در تلقی برخی از اهالی سینما در تعریف و هدف ایشان از فیلم و سینما ایجاد شده است؛ به‌گونه‌ای که جشنواره فیلم فجر تبدیل به مسابقه‌ای صرف برای پیشی گرفتن برخی آثار در نمایش مسائل، معضلات و بعضی فسادهای موجود در جامعه به‌عنوان یک افتخار شده است. همچنین در نگاهی دیگر، این جشنواره در پاره‌ای از مواقع به کارخانه تولید، عرضه و نمایش جدیدترین «سلبریتی»ها برای مردم(و شیفتگان مدل‌ها و بت‌های جسمانی) مبدل گشته است. آیا منطق تجاری بر سینما حاکم است یا منطق فرهنگی؟

سینمای تمدنی در سه عرصه انگیزه برای سازنده، توجه به محتوای آثار و نیز در نظر گرفتن مخاطب نقش دارد. در عمل نمی‌توان انتظار داشت که تمامی فیلم‌های جشنواره فجر، فیلم‌های جریان‌ساز تمدنی باشند، اما دست‌کم این انتظار را می‌توان داشت که ترویج‌کننده تمدن غرب یا عامل خدشه به کلان-ارزشِ محتوای فرهنگی و تمدنی متناسب با انقلاب اسلامی نباشند. البته نمایش مسائل و آسیب‌های اجتماعی جامعه یکی از اهداف تولید فیلم‌های سینمایی است؛ مشروط به این‌که انصاف، عدالت و اخلاقِ نقد رعایت شوند و موجب القای ناامیدی گسترده و بدون راه مفرّ میان مخاطبان نشود. هیچ جامعه بشری را نمی‌توان یافت که معادل با مدینه فاضله و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عاری از فساد و مسائل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد. متوقف ماندن در نمایش چنین مسائلی تمامی ندارد. رسالت سینمای تمدنی ایجاب می‌کند که سینمایی گشاینده و راهگشا باشد؛ یعنی در کنار نقد و نمایش معضلات، راه حل‌ها را به شیوه‌ای هنرمندانه و ظریف به مخاطب نشان دهند. همه مردم به‌عنوان مخاطبان سینما در زندگی واقعی و روزمره خود شاهد انواع و طیفی گوناگون از مسائل هستند؛ این‌که سینما نیز بخواهد صرفاً نقش بازنمایاندن و به تصویر کشیدن مسائل را به‌عهده داشته باشد، ارزش افزوده‌ای به مخاطبان منتقل نمی‌کند. در این صورت، شاید فقط مخاطبان را با سایر مسائلی که در زندگی‌شان تجربه نکرده‌اند، آشنا کند. بنابراین، چنان‌چه بر این باور باشیم که هنر پیشرو است، این پیشرو بودن صرفاً «در مقام کشف مسائل» نیست؛ بلکه پیشرو «در مقام چاره‌جویی» برای آن مسائل نیز هست. سینمای تمدنی می‌تواند تنبّهاتی را برای مسئولان کشور فراهم سازد.

وجه دیگری از سینمای تمدنی(که حرکات بطئی برای آن برداشته شده است)، توجه به شبکه‌ای از تعاملات میان هنرمندان سینمایی در سطح فراملّی است. همان‌طورکه اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تماماً محدود و محصور به جامعه ایران(و سطح ملّی) نیست و به وحدت امت اسلامی(که یاری‌دهندگان برای ساختن و رسیدن به تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌روند) نیز معطوف است، بالتبع سینمای تمدنی قرار نیست محدود به جامعه ایران و مسائل آن باشد. نمایش دست‌آوردهای انقلاب اسلامی در وجه برون-مرزی و کمک به ایجاد جبهه‌های مقاومت اسلامی و نیز روحیه اسلامی(و ظلم‌ستیزی) در اقصی نقاط جهان از مهم‌ترین دستورکارها برای سینمای تمدنی محسوب می‌شود. بر آگاهان پوشیده نیست که دو جریان تمدنی در سطح جهان در عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی در حال کنش و واکنش هستند که یکی از وظایف سینمای تمدنی این است که مخاطبان را علاوه بر آگاه کردن نسبت به معضلات داخلی، با تحولات کلانی که در سطح جهانی در حال رقم خوردن هستند، آشنا نماید. اکنون، بیش‌تر فیلم‌های جشنواره فجر ناظر به نمایش آثاری هستند که سطح افق فکری مخاطبان را محدود می‌انگارند و ایشان را از حق آگاهی نسبت به حقایق آشکاری که در سطح جهانی در حال وقوع است، محروم نگاه داشته‌اند. اکنون، می‌توان پرسید که هنرمندان سینمای ایران(به‌ویژه در جشنواره فیلم فجر) در کدام میدان فعالیت می‌کنند؟ و برای کدام جریان تمدنی اثر تولید می‌کنند؟ فیه تأمل.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سایر پیشنهادها و توصیه‌ها

* برگزاری سمینارهای آموزشی و ترویجی برای هنرمندان سینما به‌منظور آگاهی‌بخشی به اهالی سینما از مبانی نظری و ضرورت عملی جریان‌سازی برای تولید آثار تمدنی(به‌معنای سینمای متعهد نسبت به هویت و شخصیت مخاطبان)؛

* بازبینی در اهداف و شرایط پذیرش، انتخاب و اکران آثار متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر متناسب با اهداف انقلاب اسلامی(به‌ویژه بیانیه گام دوم)؛

* گفتمان‌سازی و جریان‌سازی برای گسترش افق سینمای ایران به‌منظور متوقف نماندن در تولید و عرضه فیلم‌های تکراری دارای سطحی محدود از عملکرد با راه‌اندازی مرکز یا مراکز سینمایی(دولتی و غیردولتی) معطوف به اهداف کلان انقلاب و تمدن نوین اسلامی.

- Barry, J. (۱۹۹۹). Art, Culture, and the Semiotics of Meaning. U.S: MacMillan.
- Keyes, C. (۱۹۹۸). Social Well-being. Social Psychology, ٦١(٢): ١٢١-١٤٠.
- Lareson, J. (۱۹۹۳). The Measurement of Social Well-being. Social Indicators Research, ٢٨(٢): ٢٥٦-٢٦٩.
- Leaman, O. (٢٠٠٤). Islamic Aesthetics. Edinburgh: Edinburgh University.
- Pope, A. (١٩٧٦). Persian Architecture. Tehran: Soroush.
- Rieff, , P. (١٩٩٠). The Feeling Intellect. Chicago: The University of Chicago.

- آژندی .(١٣٧٤) .تاریخچه زیبایی شناسی و نقد هنر .تهران: مولی.
- آشنا, ح & .,اسدزاده, م .(١٣٩٩) .نظریه سینمای دولتی ایران: تحلیل سیاست گذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاست های بنیاد سینمایی فارابی .مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی.٢٥٢-٢٧١ :٣٤ ,
- باستید, ر .(١٣٧٤) .هنر و جامعه، ترجمه غفار حسینی، .تهران: توس.
- بروس, ا .(١٣٨٧) .مدل سکولار شدن غرب، ترجمه محمدمسعود سعیدی، .تهران: گام نو.
- بودن, ر .(١٣٨٩) .مطالعاتی در آثار جامعه شناسان کلاسیک، ترجمه باقر پرهام، .تهران : مرکز.
- جعفری, م .(١٤٠٠) .فلسفه تاریخ و تمدن .قم: ارمغان طوبی.
- جلیلوند, م & .,سرخیل, ب .(١٣٩٨) .واکاوی نقش گفتمان اسلامی سیاسی فقاهتی بر سینمای سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی .پژوهش نامه انقلاب اسلامی :٣٢ , ١٥٩-١٨٢.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- جوهری, م & ., وکیل, م .(۱۳۹۹) .مسائل سیاستی سینمای ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی .اندیشه مدیریت راهبردی.۵۵۳-۵۸٤ :۲۸ ,
- خنیفر, ح & ., مسلمی, ن .(۱۳۹۸) .مبانی و اصول روش¬های پژوهش کیفی .تهران: نگاه دانش.
- دبیرخانه جشنواره فیلم فجر .(۱٤۰۰) . آیین نامه چهلمین دوره جشنواره ملّی فیلم فجر . تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- راودراد, ا .(۱۳۸۲) .نظریه های جامعه شناسی هنر و ادبیات .تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم پور, ح .(۱۳۹۳) .گفت و گوی انتقادی در علوم اجتماعی: خوانش منتقدانه کلاسیک جامعه شناسی .تهران: معارف و طرح فردا.
- زیمل, ج .(۱۳۸۸) .مقالاتی درباره دین، ترجمه شهناز مسمی¬پرست، .تهران: ثالث.
- عاشوری, ذ & ., یوسفی, م .(۱۳۹۹) .شاخص های سینمای تراز جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری .پدافند غیر عامل و امنیت.۳۰-۷۹ :۱۰۲ ,
- عرفان منش, ا .(۱۳۹۳) .بازنمایی مؤلفه های اجتماعی هنرهای ایرانی اسلامی: مفهوم و سنخ شناسی هنرهای ایرانی اسلامی تا پیش از فرآیند مدرن شدن .اسلام و علوم اجتماعی , ۱۰۳-۱۲۲.
- عرفان منش, ا .(۱۳۹۹) .از شهروندی تعاملی تا سیاست گذاری شبکه های مجازی .تهران: حقوقی.
- فیاض, ا & ., بیچرانلو, ع .(۱۳۹۸) .جغرافیای ارتباطی سینمای ملّی ایران .جامعه، فرهنگ، رسانه.۱۱-٤۰ :۳۱ ,
- قانع, ا .(۱۳۹۷) .قواعد فقه در میدان فرهنگ و ارتباطات .تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- کاشفی, م .(۱۳۹٦) .تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی .قم: مرکز المصطفی(ص).
- کافی, م .(۱۳۹۳) .فلسفه نظری تاریخ .قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کوزر, ل & ., روزنبرگ, ب .(۱۳۸۷) .نظریه های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، .تهران: نی.
- گنون, ر .(۱۳٦۱) .سیطره کمیّت و علائم آخر الزمان، ترجمه علی محمد کاردان، .تهران: نشر دانشگاهی.
- گنون, ر .(۱۳۸۷) .بحران دنیای متجدد، ترجمه حسن عزیزی، .تهران: حکمت.
- مددپور, م .(۱۳۸۳) .آشنایی با آرای متفکران درباره هنر .تهران: سوره مهر.
- مرشدی زاده, ع & ., همکاران .(۱۳۹۱) .بازنمایی هویت دینی در سینمای پس از انقلاب اسلامی .مطالعات فرهنگ ارتباطات.۵۹-۸۱ :۱۸ ,
- مطهری, م .(۱۳۸۷) .مجموعه آثار .قم: صدرا.
- مفتونی, ن .(۱۳۹۰) .اخلاق هنر از نگاه فارابی .تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- ملاصالحی, ح .(۱۳۷۸) .زیبایی و هنر از منظر وحیانی اسلام .تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- موسوی, س .(۱۳۹۰) .حکمت هنر: هنر از منظر سنت و مدرنیته .قم: مرکز پژوهش های صداوسیما.
- ولف, ج .(۱۳۶۷) .تولید اجتماعی هنر .تهران: مرکز.

فهرست منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۷۴) *تاریخچه زیبایی‌شناسی و نقد هنر*، تهران: مولی.
- آشنا، حسام‌الدین و اسدزاده، مصطفی (۱۳۹۹) «نظریه سینمای دولتی ایران: تحلیل سیاست‌گذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۳۴: ۲۷۱-۲۵۲.
- باستید، روژه (۱۳۷۴) *هنر و جامعه*، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس.
- بروس، استیو (۱۳۸۷) *مدل سکولار شدن غرب*، ترجمه محمدمسعود سعیدی، تهران: گام نو.
- بودن، ریمون (۱۳۸۹) *مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- جعفری، محمدتقی (۱۴۰۰) *فلسفه تاریخ و تمدن*، قم: ارمغان طوبی.
- جلیلوند، محسن و سرخیل، بهنام (۱۳۹۸) «واکاوی نقش گفتمان اسلامی سیاسی فقاهتی بر سینمای سیاسی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، ۳۲: ۱۸۲-۱۵۹.
- جوهری، محسن و وکیل، محمدحسن (۱۳۹۹) «مسائل سیاستی سینمای ایران در دهه پنجم انقلاب اسلامی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲۸: ۵۸۴-۵۵۳.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۸) *مبانی و اصول روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: نگاه دانش.
- دبیرخانه جشنواره فیلم فجر (۱۴۰۰) آیین‌نامه چهلمین دوره جشنواره ملّی فیلم فجر، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۲) *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم‌پور، حسن (۱۳۹۳) *گفت‌وگوی انتقادی در علوم اجتماعی: خوانش منتقدانه کلاسیک جامعه‌شناسی*، تهران: معارف و طرح فردا.
- زیمل، جرج (۱۳۸۸) *مقالاتی درباره دین*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.
- عاشوری، ذبیح‌الله و یوسفی، مهدی (۱۳۹۹) «شاخص‌های سینمای تراز جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *پدافند غیر عامل و امنیت*، ۱۰۲:۳۰-۷۹.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۳) «بازنمایی مؤلفه‌های اجتماعی هنرهای ایرانی اسلامی: مفهوم و سنخ‌شناسی هنرهای ایرانی اسلامی تا پیش از فرآیند مدرن شدن»، *اسلام و علوم اجتماعی*، ۱۲: ۱۲۲-۱۰۳.
- عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۹) *از شهروندی تعاملی تا سیاست‌گذاری شبکه‌های مجازی*، تهران: حقوقی.
- فیاض، ابراهیم و بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۸) «جغرافیای ارتباطی سینمای ملّی ایران»، *جامعه، فرهنگ، رسانه*، ۳۱: ۴۰-۱۱.
- قانع، احمدعلی (۱۳۹۷) *قواعد فقه در میدان فرهنگ و ارتباطات*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۹۶) *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: مرکز المصطفی(ص).
- کافی، مجید (۱۳۹۳) *فلسفه نظری تاریخ*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷) *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- گنون، رنه (۱۳۶۱) *سیطره کمّیت و علائم آخر الزمان*، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران: نشر دانشگاهی.
- گنون، رنه (۱۳۸۷) *بحران دنیای متجدد*، ترجمه حسن عزیزی، تهران: حکمت.
- مرشدی‌زاد، علی و همکاران (۱۳۹۱) «بازنمایی هویت دینی در سینمای پس از انقلاب اسلامی»، *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۱۸: ۸۱-۵۹.
- مددپور، محمد (۱۳۸۳) *آشنایی با آرای متفکران درباره هنر*، تهران: سوره مهر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
- مفتونی، نادیا (۱۳۹۰) *اخلاق هنر از نگاه فارابی*، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۷۸) *زیبایی و هنر از منظر وحیانی اسلام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- موسوی، سیدرضی (۱۳۹۰) *حکمت هنر: هنر از منظر سنت و مدرنیته*، قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما.
- ولف، جانت (۱۳۶۷) *تولید اجتماعی هنر*، ترجمه نیره توکلی، تهران: مرکز.
- Barry, J. (۱۹۹۹) Art, Culture, and the Semiotics of Meaning, U.S: MacMillan.
- Keyes, C. M. (۱۹۹۸) “Social Well-being”, Social Psychology, ٦١(٢): ١٢١-١٤٠.
- Lareson, J. (۱۹۹۳) “The Measurement of Social Well-being”, Social Indicators Research, ٢٨(٢): ٢٥٦-٢٦٩.
- Leaman, O. (٢٠٠٤) Islamic Aesthetics, Edinburgh: Edinburgh University.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- Pope, A. U. (۱۹۷٦) Persian Architecture, Tehran: Soroush.

- Rieff, P. (۱۹۹۰) The Feeling Intellect, Chicago: The University of Chicago.

References

- Ashouri, Zabihullah and Yousefi, Mehdi (۱۳۹۹) "Characteristics of cinema in the Islamic Republic of Iran from the perspective of the Supreme Leader", Passive Defense and Security, ۳۰: ۱۰۲-۷۹.
- Ashna, Hesamuddin and Asadzadeh, Mostafa (۱۳۹۹) "Iranian State Cinema Theory: Analysis of Post-Revolutionary Cinema Policy with Emphasis on the Policies of the Farabi Cinema Foundation", Strategic Studies of Public Policy, ۳٤: ۲۷۱-۲۵۲ .
- Azhand, Yaghoub (۱۳۷٤) History of Aesthetics and Art Criticism, Tehran: Molla.
- Barry, Jackson (۱۹۹۹) Art, Culture, and the Semiotics of Meaning, U.S: MacMillan.
- Bastid, Rojeh (۱۳۷٤) Art and Society, translated by Ghaffar Hosseini, Tehran: Toos.
- Boudon, Raymond (۲۰۱۰) Studies in the Works of Classical Sociologists, translated by Baqer Parham, Tehran: Markaz.
- Bruce, Steve (۲۰۰۸) The Model of Secularization of the West, translated by Mohammad Massoud Saeedi, Tehran: Game now.
- Erfanmanesh, Iman (۲۰۱٤) "Representation of the social components of Iranian Islamic arts: the concept and typology of Iranian Islamic arts before the process of modernization", Islam and Social Sciences, ۱۲: ۱۲۲-۱۰۳.
Erfanmanesh, Iman (۱۳۹۹) From Interactive Citizenship to Virtual Networks Policy-Making, Tehran: Hoghoghi.
- Fajr Film Festival Secretariat (۱٤۰۰) Regulations of the ٤۰th Fajr National Film Festival, Tehran: Farabi Cinema Foundation.
- Fayyaz, Ebrahim and Bichranloo, Abdullah (۱۳۹۸) "Communication Geography of Iranian National Cinema", Society, Culture, Media, ۳۱: ٤۰-۱۱.
- Ghaneh, Ahmad Ali (۱۳۹۷) Rules of jurisprudence in the field of culture and communication, Tehran: Imam Sadegh (AS) University.
- Guenon, René (۱۳٦۱) The Control of Quantity and the Signs of the End Times, translated by Ali Mohammad Kardan, Tehran: University Press.
- Guenon, René (۲۰۰۸) The Crisis of the Modern World, translated by Hassan Azizi, Tehran: Hekmat.
- Jafari, Mohammad Taghi (۱٤۰۰) Philosophy of History and Civilization, Qom: Armaghane Touba.
- Jalilvand, Mohsen and Sarkhil, Behnam (۱۳۹۸) "Analysis of the role of Islamic political jurisprudential discourse on Iranian political cinema after the victory of the Islamic Revolution", Research Journal of the Islamic Revolution, ۳۲: ۱۸۲-۱۵۹.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- Johari, Mohsen and Vakil, Mohammad Hassan (۱۳۹۹) "Policy issues of Iranian cinema in the fifth decade of the Islamic Revolution", Strategic Management Thought, ۲۸: ۵۸٤-۵۵۳.
- Kafi, Majid (۲۰۱٤) Theoretical philosophy of history, Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- Kashefi, Mohammad Reza (۱۳۹٦) History of Islamic Culture and Civilization, Qom: Mustafa Center (PBUH).
- Keyes, C. M. (۱۹۹۸) “Social Well-being”, Social Psychology, ٦۱(۲): ۱۲۱-۱٤۰.
- Khanifar, Hossein and Moslemi, Nahid (۱۳۹۸) Principles and principles of qualitative research methods, Tehran: Negahe Danesh.
- Kozer, Lewis and Rosenberg, Bernard (۲۰۰۸) Fundamental Sociological Theories, translated by Farhang Ershad, Tehran: Ney.
- Lareson, J. (۱۹۹۳) “The Measurement of Social Well-being”, Social Indicators Research, ۲۸(۲): ۲۵٦-۲٦۹.
- Leaman, Oliver (۲۰۰٤) Islamic Aesthetics, Edinburgh: Edinburgh University.
- Madadpour, Mohammad (۲۰۰٤) Introduction to the views of thinkers about art, Tehran: Surah Mehr.
- Maftouni, Nadia (۲۰۱۱) Art ethics from Farabi's point of view, Tehran: Farabi Cinema Foundation.
- Morshedizad, Ali et al. (۲۰۱۲) "Representation of religious identity in cinema after the Islamic Revolution", Communication Culture Studies, ۱۸: ۸۱-۵۹.
- Mousavi, Seyed Razi (۲۰۱۱) The Wisdom of Art: Art from the Perspective of Tradition and Modernity, Qom: Radio and Television Research Center.
- Motahari, Morteza (۲۰۰۸) Collection of works, Qom: Sadra.
- Mulla Salehi, Hekmatullah (۱۹۹۹) Beauty and Art from the Revelation of Islam, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Pope, Arthur Upham (۱۹۷٦) Persian Architecture, Tehran: Soroush.
- Rahimpour, Hassan (۲۰۱٤) Critical Discourse in the Social Sciences: A Classical Critical Reading of Sociology, Tehran: Tomorrow's Education and Plan.
- Ravdrad, Azam (۲۰۰۳) Theories of Sociology of Art and Literature, Tehran: University of Tehran.
- Rieff, Ph. (۱۹۹۰) The Feeling Intellect, Chicago: The University of Chicago.
- Simmel, George (۲۰۰۹) Articles on religion, translated by Shahnaz Masmiparast, Tehran: Sales.
- Wolf, Janet (۱۹۸۸) Social Production of Art, translated by Nayreh Tavakoli, Tehran: Markaz.

Archive of SID.ir